

## دعای بعد از زیارت عاشورا (دعای علقمه)

مقصد سوم در فصل هفتم از باب زیارات: کیفیت زیارت امام حسین علیه السلام و زیارت حضرت عباس: زیارات مخصوصه؛ هفتم - زیارت عاشورا است؛ بعد از زیارت عاشورا، این دعا را می خوانیم:

روایت کرده محمد بن خالد طیالسی از سیف بن عمیره که گفت بیرون رفتم با صفوان بن مهران و جمعی دیگر از اصحاب خودمان بسوی نجف بعد از خروج حضرت صادق علیه السلام از حیره به جانب مدینه پس زمانی که ما فارغ شدیم از زیارت یعنی زیارت امیر المؤمنین علیه السلام گردانید صفوان صورت خود را به جانب مشهد ابو عبد الله علیه السلام پس گفت از برای ما که زیارت کنید حسین علیه السلام را از این مکان از نزد سر مقدس امیر المؤمنین علیه السلام که از اینجا ایما و اشاره کرد به سلام بر آن حضرت جناب صادق علیه السلام و من در خدمتش بودم سیف گفت پس خواند صفوان همان زیارتی را که روایت کرده بود علقمه بن محمد حضرمی از حضرت باقر علیه السلام در روز عاشورا آنگاه دو رکعت نماز کرد نزد سر امیر المؤمنین علیه السلام و وداع گفت بعد از آن نماز امیر المؤمنین علیه السلام را و اشاره کرد به جانب قبر حسین علیه السلام به سلام در حالتی که گردانیده بود روی خود را به جانب او و وداع کرد بعد از زیارت او را و از دعاهایی که بعد از نماز خواند این بود

يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ يَا كَاشِفَ كُرْبِ الْمَكْرُوبِينَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ

ای خدا ای خدا ای خدا ای مستجاب کننده دعای بیچارگان و ای برطرف کن غم و اندوه پریشان خاطران ای  
دادرسی دادخواهان

يَا صَرِيحَ الْمُسْتَصْرِخِينَ (و) يَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ

و ای فریادرس فریادخواهان و ای آنکه تو از رگ من به من نزدیکتری

(و) يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ (و) يَا مَنْ هُوَ بِالْمُنْظَرِ الْأَعْلَى وَبِالْأَفْقِ الْمُبِينِ

ای آنکه بین شخص و قلب او حایل می شوی ای آنکه ذاتت در منظره بلند است و وجودت در افق روشن است

(وَ) يَا مَنْ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى (وَ) يَا مَنْ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ

ای آنکه او منحصرًا بخشاینده و مهربان و بر عرش مستقر است ای آنکه نظر چشم آنان که به خیانت نگردد و آنچه در دلها پنهان دارند همه را می دانی

(وَ) يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ خَافِيَةٌ يَا مَنْ لَا تَشْتَبِهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ

ای آنکه هیچ امر مستور و سر مخفی بر تو پنهان نیست ای آنکه اصوات بر تو مشتبه نخواهد شد

(وَ) يَا مَنْ لَا تُغَلِّطُهُ (تُغَلِّطُهُ) الْحَاجَاتُ (وَ) يَا مَنْ لَا يُبْرِمُهُ إِلَّا الْحَاحُ الْمَلْحِينُ

و حاجات تو را به اشتباه نیفکند و ای کسی که الحاح و التماس تو را رنج و ملال ندهد

يَا مُدْرِكُ كُلِّ فَوْتٍ (وَ) يَا جَامِعُ كُلِّ شَمَلٍ (وَ) يَا بَارِيَّ النَّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ

ای مدرک هر چه فوت شود و ای جمع آورنده هر چه در جهان متفرق و پریشان شود ای برانگیزنده جانها پس از موت

يَا مَنْ هُوَ كُلُّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ يَا مُنْفِسَ الْكُرْبَاتِ يَا مُعْطِيَ السُّؤَالَاتِ

ای آنکه تو را در هر روز شأن خاصی است ای برآورنده حاجات ای برطرف ساز غم و رنجها ای عطا بخش

سؤالات

يَا وَدِيَّ الرَّغْبَاتِ يَا كَافِيَ الْمُهْمَاتِ

ای مالک رغبت و اشتیاقات ای کفایت کننده مهمات خلایق

يَا مَنْ يَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

ای کسی که تو به تنهایی کفایت از همه می کنی و هیچ چیز در آسمان و زمین از تو کفایت نمی کند

أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَعَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ بَدْتِ نَبِيِّكَ وَبِحَقِّ الْحُسَيْنِ وَالْحُسَيْنِ

از تو درخواست می کنم به حق محمد خاتم پیغمبران و به حق علی امیر اهل ایمان و به حق فاطمه دخت پیغمبرت و به حق حسن و حسین

فَإِنِّي بِهِمْ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا وَبِهِمْ أَتَوَسَّلُ وَبِهِمْ أَشْفَعُ إِلَيْكَ

که من بوسیله آن بزرگواران به درگاه حضرتت رو آورده‌ام در این مقام و به آنها توسل جسته و آنان را به درگاهت شفیع می‌آورم

وَبِحَقِّهِمْ أَسْأَلُكَ وَأُقْسِمُ وَأُعْزِمُ عَلَيْكَ وَبِالْشَّانِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ وَبِالْقُدْرِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ

و به حق آن پاکان از تو مسئلت می‌کنم و قسم و سوگند به جد یاد می‌کنم بر تو و به شأن و مقامی که آن بزرگواران را نزد توست و به قدر و منزلتشان نزد تو

وَبِالَّذِي فَضَّلْتَهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ وَبِاسْمِكَ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ وَبِهِ خَصَّصْتَهُمْ دُونَ الْعَالَمِينَ

و به آن سر حقیقتی که موجب افضلیت آنها برعالمیان گردید و به آن اسم خاصی که تو نزد آنها قرار دادی از همه خلق به آنها اختصاص دادی

وَبِهِ أَبْنَتْهُمْ وَأَبْنَتْ فَضْلَهُمْ مِنْ فَضْلِ الْعَالَمِينَ حَتَّىٰ فَاقَ فَضْلُهُمْ فَضْلَ الْعَالَمِينَ جَمِيعًا

تا آنکه فضل و کمال آنان برتر از تمام عالمیان گردید

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَكْشِفَ عَنِّي غَمِّي وَهَمِّي وَكَرْبِي

(به این امور تو را قسم می‌دهم و) از تو درخواست می‌کنم که درود فرستی بر محمد و آل محمد و هم و غم و رنج مرا برطرف سازی

وَتَكْفِينِي الْمُهْمَّ مِنْ أُمُورِي وَتَقْضِي عَنِّي دَيْنِي

و مهمات امورم را کفایت فرمایی و دینم را ادا سازی

و تُجِيرِنِي مِنَ الْفَقْرِ وَتُجِيرِنِي مِنَ الْفَاقَةِ وَتُغْنِيَنِي عَنِ الْمَسْأَلَةِ إِلَى الْمَخْلُوقِينَ

و از فقر و مسکنتم نجات دهی و مرا از سؤال از خلق به لطف و کرمت بی‌نیاز گردانی

وَتَكْفِينِي هَمَّ مَنْ أَخَافُ هَمَّهُ وَعُسْرَ مَنْ أَخَافُ عُسْرَهُ وَحُزُونَ مَنْ أَخَافُ حُزُونَتَهُ

و مرا کفایت کنی از هر هم و غمی که از آن می‌ترسم و از هر مشکل و خشونت هر که خایفم

وَشَرَّ مَنْ (مَا) أَخَافُ شَرَّهُ وَمَكْرَ مَنْ أَخَافُ مَكْرَهُ وَبُعِي مَنْ أَخَافُ بُعِيَهُ

و از هر شر اشرازی که ترسانم و از مکر و ظلم و جور کسانی که خوفناکم

وَجَوْرَ مَنْ أَخَافُ جَوْرَهُ وَسُلْطَانَ مَنْ أَخَافُ سُلْطَانَهُ وَكَيْدَ مَنْ أَخَافُ كَيْدَهُ

و از تسلط و خدعه و کید و اقتدار کسانی که از آنها خائفم بر خود

وَمَقْدَرَةَ مَنْ أَخَافُ (بِلَاءَ) مَقْدَرَتَهُ عَلَيَّ وَتَرَدُّعَنِي كَيْدَ الْكَيْدَةِ وَمَكْرَ الْمَكْرَةِ

از همه مرا حفظ و کفایت فرمائی و کید و خدعه حیلت گران و مکر مکاران را از من بگردانی

اللَّهُمَّ مَنْ أَرَادَنِي فَأَرِدْهُ وَمَنْ كَادَنِي فَكِدْهُ

پروردگارا هر کس با من اراده شری دارد شرش را به خود او برگردان

وَاصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُ وَمَكْرَهُ وَبَأْسَهُ وَأَمَانِيَّهٗ وَأَمْنَعُهُ عَنِّي كَيْفَ شِئْتَ وَأَنْتَ شِئْتَ

و هر که با من قصد خدعه و فریب دارد آرزو و فریب و آسیب او را از من برطرف ساز و به هر طریق و به هر گاه می‌خواهی آزارش را از من منع فرما

اللَّهُمَّ اشْغَلْهُ عَنِّي بِفَقْرٍ لَا تَجْبُرُهُ وَبِإِلَاءٍ لَا تَسْتُرُهُ وَبِفَاقَةٍ لَا تُسَدُّهَا

پروردگارا تو از فکر آزار من او را به فقر و مسکنت و بلا و مصیبت دایمی که برطرف ابد از او نگردانی

وَبِسُقْمٍ لَا تُعَافِيهِ وَذُلٍّ لَا تُعِزُّهُ وَبِمَسْكِنَةٍ لَا تَجْبُرُهَا

و به دردی که عافیت نبخشی مشغولش گردان و به ذلت ابدی و فقر و مسکنت همیشگی که هیچ جبران نکنی گرفتار ساز

اللَّهُمَّ اضْرِبْ بِالذُّلِّ نَصَبَ عَيْنَيْهِ وَأَدْخِلْ عَلَيْهِ الْفُقْرَ فِي مَنْزِلِهِ وَالْعِلَّةَ وَالسُّقْمَ فِي بَدَنِهِ

پروردگارا ذلت نفس را نصب العین او گردان و فقر و احتیاج را به منزل او داخل ساز و درد و مرض را به بدن او جای ده

حَتَّى تَشْغَلَهُ عَنِّي بِشُغْلٍ شَاغِلٍ لَا فَرَاغَ لَهُ وَأَنْسَهُ ذِكْرِي كَمَا أَنْسَيْتَهُ ذِكْرَكَ

تا او را از من همیشه مشغول درد و الم و فقر خودش گردانی و مرا از یاد او بیر چنانکه یاد خود را از خاطرش بردی

وَخُذْ عَنِّي بِسَمْعِهِ وَبَصَرِهِ وَلِسَانِهِ وَيَدَيْهِ وَرِجْلَيْهِ وَقَلْبِهِ وَجَمِيعِ جَوَارِحِهِ

و آن دشمن مرا تو به کرمت گوش و چشم و زبان و دست و پا و قلب و جمیع اعضایش را از آزار و اذیت به من منع فرما

وَأَدْخِلْ عَلَيْهِ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ السُّقْمَ وَلَا تَشْفِهِ حَتَّى تَجْعَلَ ذَلِكَ لَهُ شُغْلًا شَاغِلًا بِهِ عَنِّي وَعَنْ ذِكْرِي

و دردی به تمام این اعضاء و جوارحش مسلط فرما که ابدًا شفا نبخشی تا از من مشغول شود و یاد من از خاطرش برود

وَكَفِّنِي يَا كَافِي مَا لَا يَكْفِينِي سِوَاكَ فَإِنَّكَ الْكَافِي لِأَكْفَانِي سِوَاكَ وَمُفَرِّجٌ لِمُفَرِّجِ سِوَاكَ

و مهمات مرا کفایت فرما ای کافی مهماتی که غیر تو احدی آن مهمات را کفایت نتواند کرد که همانا تویی کفایت کننده در عالم و جز تو کفایت کننده ای نیست و فرج و گشایش امور منحصر به توست و غیر تو نیست

وَمُغِيثٌ لِمُغِيثِ سِوَاكَ وَجَارٌ لَجَارِ سِوَاكَ

و فریادرس خلق تویی و غیر تو نیست و پناه بیچارگان تویی و غیر تو نیست

خَابَ مَنْ كَانَ جَارُهُ سِوَاكَ وَمُغِيثُهُ سِوَاكَ وَمَفْرُوعُهُ إِلَى سِوَاكَ

هر کس به جوار غیر تو پناه برد و فریادرسی جز تو طلبد و زاری به درگاه غیر تو کرد



كَمَا كَشَفْتَ عَنْ نَبِيِّكَ هَمَّهُ وَغَمَّهُ وَكَرَبَهُ وَكَفَيْتَهُ هَوْلَ عَدُوِّهِ

چنانکه هم و غم و رنج پیغمبرت را هم تو برطرف فرمودی و از هول و هراس دشمنش کفایت کردی

فَاكْشِفْ عَنِّي كَمَا كَشَفْتَ عَنْهُ وَفَرِّجْ عَنِّي كَمَا فَرَّجْتَ عَنْهُ وَاكْفِنِي كَمَا كَفَيْتَهُ

پس از من برطرف ساز چنانکه از آن حضرت برطرف ساختی و به من فرج و گشایش بخش چنانکه به او بخشیدی و امورم کفایت فرما چنانکه از او کفایت فرمودی

(وَاصْرِفْ عَنِّي) هَوْلَ مَا أَخَافُ هَوْلَهُ وَمُؤْنَةَ مَا أَخَافُ مُؤْنَتَهُ

و هر چه از آن هراسانم تو برطرف گردان و از من آنچه که از مشقت و زحمتش ترسانم

وَهُمْ مَا أَخَافُ هَمَّهُ بِلاَ مُؤْنَةٍ عَلَيَّ نَفْسِي مِنْ ذَلِكَ

و آنچه از او اندوهناک و پریشان خاطریم بدون تحمل مشقت من تو از من کفایت فرما

وَاصْرِفْنِي بِقَضَاءِ حَوَائِجِي وَكَفَايَةِ مَا أَهَمَّنِي هَمُّهُ مِنْ أَمْرِ آخِرَتِي وَدُنْيَايَ

و مرا برآورده حاجت از اینجا بازگردان و مهمات امور دنیا و آخرتم را کفایت فرما

يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (وَيَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ) عَلَيْكَ (عَلَيْكُمْ) مِنِّي سَلَامٌ اللَّهُ أَبَدًا (مَا بَقِيَتْ) وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَ

النَّهَارُ

ای امیر المؤمنین و ای ابا عبد الله الحسین سلام و تحیت خدا از من بر تو باد همیشه تا من باقیم و تا لیل و نهار

باقی است



وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِكَ مَا وَلَا فَرَّقَ اللَّهُ بَيْنِي وَبَيْنَكَ مَا

و خدا این زیارت مرا آخر عهد من در زیارت شما قرار ندهد و هرگز میان من و شما خدا جدایی نیفکند

اللَّهُمَّ أَحْيِي حَيَاةَ مُحَمَّدٍ وَذُرِّيَّتِهِ وَأَمْنِي مِمَّا تَهُمُّ وَتَوَفِّي عَلَى مِلَّتِهِمْ

پروردگارا مرا به طریق حیوه محمد و آل محمد زنده بدار و به طریق آنان بمیران و بر ملت و شریعتشان قبض

روحم فرما

وَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِمْ وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

و در زمره آن بزرگواران محشورم گردان و طرفه العینی تا ابد در دنیا و آخرت میان من و آنها جدایی میفکند

يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَتَيْتُكَ مَا زَائِرًا وَمُتَوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكَ مَا

ای امیر المؤمنین و ای ابا عبد الله من آمدم به زیارت شما و برای توسل بسوی خدا پروردگار من و شما

وَمُتَوَجِّهًا إِلَيْهِ بِكُمْ وَمُسْتَشْفِعًا (بِكُمْ) إِلَى اللَّهِ (تَعَالَى) فِي حَاجَتِي هَذِهِ

و برای توجه به درگاه او بوسیله شما و به شفاعت شما و به شفاعت شما بسوی خدا برای برآمدن حاجتم

فَاشْفَعَالِي فَإِنَّ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ وَالْجَاهَ الْوَجِيهَ وَالْمُنْزِلَ الرَّفِيعَ وَالْوَسِيلَةَ

پس برای من به درگاه خدا شفاعت کنید که شما را نزد خدا مقام بلند محمود و آبرومندی رتبه و منزلت رفیع

است و وسیله خدایید

إِنِّي أَنْقَلِبُ عَنْكُمْ مُنْتِظِرًا لِتَجْزِ الْحَاجَةِ وَقَضَائِهَا وَنَجَاحَهَا مِنَ اللَّهِ بِشَفَاعَتِكُمْ إِلَيَّ إِلَى اللَّهِ فِي ذَلِكَ فَلَا أُخِيبُ

حاليا من از زیارت شما باز می‌گردم و منتظر برآمدن قطعی حاجتم و روا شدن آن از لطف خدا بواسطه شفاعت شما به درگاه حق در این حاجت هستم پس ای خدا ناامید نشوم

وَلَا يَكُونُ مُنْقَلِبِي مُنْقَلِبًا خَائِبًا خَاسِرًا بَلْ يَكُونُ مُنْقَلِبِي مُنْقَلِبًا رَاجِحًا (رَاجِحًا) مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا بِقَضَاءِ جَمِيعِ حَوَائِجِي (الْحَوَائِجِ)

و از این سفر زیارت به زیان و حرمان باز نگردم بلکه از آن درگاه کرم با فضیلت و رستگاری و فیروزی و اجابت دعاها و برآورده شدن تمام حاجات باز گردم

وَشَفَعَالِي إِلَى اللَّهِ أَنْقَلَبْتُ عَلَى مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

و با شفاعت به درگاه حق برگردم بر آنچه خدا مشیتش قرار گرفته و هیچ قدرت و نیرویی الا به حول و قوه خدا نخواهد بود

مُفَوِّضًا أَمْرِي إِلَى اللَّهِ مُلْجِئًا ظَهْرِي إِلَى اللَّهِ مُتَوَكِّلًا عَلَى اللَّهِ

کارم را به خدا تفویض می‌کنم و در پناه حق و یاری او با توکل بر خدا

وَأَقُولُ حَسْبِيَ اللَّهُ وَكَفَى اللَّهُ لِنِ دَعَائِي سَيِّئِي وَرَاءَ اللَّهِ وَرَاءَ كُرْئِي سَادَتِي مُنْتَهَى

پیوسته خواهم گفت که خدا مرا بس و کافی است که خدا هر که او را به دعا بخواند می‌شنود و مرا جز درگاه و درگاه شما بزرگانم که اولیاء خدايید دری دیگر نیست

مَا شَاءَ رَبِّي كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

آنچه پروردگارم خواسته وجود یابد و آنچه نخواستہ وجود نخواهد یافت و هیچ حول و قوه‌ای جز به خدا وجود ندارد

أَسْتُودِعُكُمْ اللَّهَ وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي إِلَيْكُمْ

من شما دو بزرگوار را اینک وداع می‌گویم و خدا این زیارت را آخرین عهد من به زیارت شما قرار ندهد

انْصَرَفْتُ يَا سَيِّدِي يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَمَوْلَايَ وَأَنْتَ (أَبْتُ) يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا سَيِّدِي

من بازگشتم ای آقای من ای امیر المؤمنین و ای آقای من ای ابا عبد الله

(وَ) سَلَامِي عَلَيْكُمْ مَا تَمَّصِلُ مَا اتَّصَلَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَاصِلٌ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ غَيْرُ (غَيْرِ) مُجُوبٍ

عَنْكُمْ سَلَامِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ

و سلام و تحیت مادام که شب و روز پیوسته به یکدیگرند بر شما باد و همیشه این سلام به شما واصل شود و از شما پوشیده و محجوب هیچگاه نباشد انشاء الله

وَأَسْأَلُهُ بِحَقِّكُمْ أَنْ يُشَاءَ ذَلِكَ وَيَفْعَلَ فَإِنَّهُ حَمِيدٌ مُجِيدٌ

و از خدا به حق شما دو بزرگوار مسئلت می‌کنم که این همیشه با مشیت خدا و عنایت الهی انجام یابد که او البته خدای بزرگوار ستوده صفات است

انْقَلَبْتُ يَا سَيِّدِي عَنْكُمْ تَائِبًا حَامِدًا لِلَّهِ شَاكِرًا رَاجِيًا لِلْإِجَابَةِ غَيْرَ آيسٍ وَلَا قَانِطٍ

بازگشتم ای آقای من از زیارت شما در حالی که از هر گناه توبه کرده و به حمد و شکر و سپاس حق مشغولم و امیدوار اجابت دعاهایم هستم و ابدا مأیوس از لطف خدا نیستم

أَيُّهَا عَائِدًا رَاجِعًا إِلَى زِيَارَتِكُمْ غَيْرَ رَاغِبٍ عَنْكُمْ وَلَا مِنْ (عَنْ) زِيَارَتِكُمْ

که باز مکرر رجوع به درگاه شما و بازگشت به زیارت قبور مطهر شما کنم و هیچ از شما و زیارت قبور مطهرتان سیر نشوم

بَلْ رَاجِعٌ عَائِدٌ إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

بلکه مکرر باز بیایم انشاء الله و البته هیچ حول و قوه‌ای جز به خواست خدا نخواهد بود

يَا سَادَتِي رَغِبْتُ إِلَيْكُمْ وَإِلَى زِيَارَتِكُمْ بَعْدَ أَنْ زَهَدْتُ فِيكُمْ وَفِي زِيَارَتِكُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا

ای بزرگان من به زیارت شما مشتاق و مایل بودم بعد از آنکه اهل دنیا را دیدم به شما و زیارت شما بی‌میل و رغبت بودند

فَلَا خَيْبَنِي اللَّهُ مَا (مِمَّا) رَجَوْتُ وَمَا أَمَلْتُ فِي زِيَارَتِكُمْ إِنَّهُ قَرِيبٌ مُجِيبٌ

پس خدا مرا از امید و آرزویی که دارم محروم نگرداند و هم از زیارت شما محروم نسازد که او به ما نزدیک است و اجابت کننده دعا خیلی است.